

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۴

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
دکتر غلامحسین کوشکی - پیمان دولت‌خواه پاشاکی
۷
- مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، به مثابه مسئولیت مدنی یا کیفری؟
دکتر نصراله جعفری خسروآبادی - مینا سالمی
۵۷
- رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات
دکتر منصور رحمدل
۸۳
- «تحول» در شناسایی عرف یا «اختراع» عرف؟
دکتر علیرضا باقری ایبانه
۱۰۳
- تحلیل محتوای سریال تلویزیونی کیمیا از منظر خشونت خانوادگی
رابعه نظریور همدانی - دکتر بتول پاکزاد
۱۳۹
- مبانی و قلمرو آموزه‌های کیفرشناسی نوین در زمینه بزهکاری نوجوانان با رویکرد تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا
علی داودی سالستانی - دکتر سید حسین هاشمی
۱۷۱
- رویکرد اسناد بین‌المللی به حقوق بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری
دکتر جمال بیگی - هیوا علی‌پور
۱۹۹
- جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، زمینه‌ها و جلوه‌ها
ایوب نوریان - دکتر غلامرضا محمد نسل - دکتر نادر نوروزی
۲۲۱
- مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۷
سحر پورحسن زیوه - دکتر سید ابراهیم قدسی - دکتر حمیدرضا جاویدزاده
۲۴۷





جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، زمینه‌ها و جلوه‌ها

دکتر غلامرضا محمد نسل* - دکتر نادر نوروزی**

ایوب نوریان***

چکیده:

بدیهی است که نمی‌توان حضور جدی و پررنگ اندیشه‌های جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست را در ساحت اندیشه کیفری انکار نمود. اندیشه‌هایی که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی با القای ناکارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه و با عوام‌گرایی کیفری، به‌عنوان مدلی کارآمد، سیاست کیفری سخت‌گیرانه را حیاتی دوباره بخشیده است. این مقاله که با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای تهیه شده، می‌کوشد که بنیان‌ها و پیش‌فرض‌های بدیهی انگاشته‌شده این رویکرد را در پرتو مکاتب و اندیشه‌های جرم‌شناسی و کیفری از نو بازبینی و بازآزمایی نماید. نتیجه اینکه جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست که ادعا می‌کند دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به علل جرم و انحراف دارد، از مفاهیم و گزاره‌هایی بهره می‌برد که می‌توان به‌وضوح آنها را در مطالعه پیشینی مکاتب و اندیشه‌های کیفری و جرم‌شناسی مشاهده کرد. ضرورت پژوهش حاضر، علاوه بر فقر موجود راجع به ادبیات جرم‌شناسی واقع‌گرایانه، از نقش و کارکرد این رویکرد در حیات، تحول و پویایی اندیشه کیفری نشئت می‌گیرد. مسئله اصلی این است که مهم‌ترین زمینه‌ها و جلوه‌های گرایش به جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست و تجدید حیات آن کدامند؟ یافته‌های این تحقیق نشان داد جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، ریشه در عوامل متعددی دارد. می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و جرم‌شناختی در شکل‌گیری و استمرار برنامه‌ها و اهداف این نظریه نقش اساسی دارند.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۹۸
صفحه ۲۲۶-۲۲۱، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران، نویسنده مسئول

Email: g_mnasl@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

Email: noroozi.nader@yahoo.com

*** دانشجوی مقطع دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

Email: ay.noorian@gmail.com

تهران مرکز، تهران، ایران

کلیدواژه‌ها:

واقع‌گرایی، راست‌نو، انتخاب عقلانی، نظم و قانون، سیاست کیفری سخت‌گیرانه.

مقدمه

در اواخر دهه ۱۹۷۰ م. رویکردهای مارکسیستی^۱ و تعامل‌گرایانه به جرم، محبوبیت خود را در جرم‌شناسی از دست دادند. عقیده بر این بود که این رویکردها، ناتوان از کنترل و کاهش جرم هستند. بدین ترتیب، در آغاز دهه ۱۹۸۰ جرم‌شناسی واقع‌گرایانه^۲ ظهور کرد که از رویکردهای قبلی مانند مارکسیسم و تعامل‌گرایی متفاوت بود. واقع‌گرایان معتقد بودند جرم‌شناسان باید علت‌شناسی حمایتی و بالینی را در مورد جرم رها کرده، با سیاست‌های کنترلی مدّ نظر دولت‌ها کار کنند، راه‌حل‌های عملی برای کنترل جرم و جنایت را توسعه داده و به‌طور جدّی ترس عمومی از جرم را در نظر بگیرند. واقع‌گرایان جناح راست علاقه‌مند به نگاه کردن به علل ساختاری عمیق برای پدیده جرم مانند سرمایه‌داری و فقر نیستند. آنها بیشتر طرفدار راهکارهای عملی هستند و دغدغه خود را در این می‌بینند که چگونه دولت‌ها می‌توانند جرم و جنایت را کاهش داده و در محدودیت‌های نظام اجتماعی کار کنند.

رویکردهای واقع‌گرایانه در دهه ۱۹۷۰ در زمینه دولت‌های نئولیبرالی راست^۳ که در ایالات متحده و انگلستان به قدرت رسیدند، ظهور کردند. دولت‌های نئولیبرالی علاقه‌مند به دولت حداقلی، اخذ مالیات پایین و مخالف سیاست‌های اجرایی دولت رفاه بودند. حوزه‌ای که دولت‌های نئولیبرال سیاست‌های خود را بر آن متمرکز کرده بودند، حفظ نظم و قانون^۴ بود و واقع‌گرایان با تکیه بر این سیاست‌های کنترلی، مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای را برای مجرمان در نظر گرفته بودند و اساساً بر افزایش استفاده از پلیس و مجازات برای مبارزه با جرم و پیشگیری از آن، اعتقاد ویژه‌ای داشتند.

دیدگاه جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست که در جرم‌شناسی با عناوینی همچون رئالیسم راست نو^۵، نئوکلاسیسیسم^۶، نئوپوزیتیویسم^۷ یا نومحافظه‌کار^۸ شناخته می‌شود، پیوندهای تاریخی

-
1. Marxist Approaches
 2. Realistic Criminology
 3. Right Neoliberal Governments
 4. Law and Order
 5. New Right Realism
 6. Neo-Classicism
 7. Neo-Positivism
 8. Neo-Conservatism

خاصی با چندین سنت متفاوت و موجود در حوزه جرم‌شناسی دارد. برای نمونه از یک‌سو می‌توان دید که این دیدگاه از شباهتی آشکار با دیدگاه جرم‌شناسی کلاسیک برخوردار است. به تعبیر دیگر، در این رویکرد بر محورهایی تأکید می‌شود که همگی، شباهت‌های جدی و خاص با مباحثی دارد که پیشتر در باب قرارداد اجتماعی بیان می‌گردید، محورهایی از جمله گزینش و مسئولیت فردی، مجازات و ویژگی تناسب و سرانجام، جستجوی علل جرم در درون فرد. تأکید این رویکرد بر مجازات به‌عنوان نوعی ابزار تقویت مرزهای اخلاقی، شباهتی بسیار با کار دورکیم دارد. تأکید این رویکرد بر عناصر انضباط، خویش‌داری و جامعه‌پذیری تکرار همان دغدغه نظریه کنترل است.

ادبیات حقوق کیفری و جرم‌شناسی جامعه ایران به‌نحو قابل‌توجهی با جرم‌شناسی واقع‌گرایانه، بیگانه است تا آنجا که یافته‌های نگارنده نشان می‌دهد تاکنون کنکاشی بنیادین اعم از مقاله، کتاب، پایان‌نامه و یا رساله‌ای درخصوص موضوع مقاله نگارش نیافته است. در متون ترجمه‌شده جرم‌شناسی همچون کتاب «شناخت جرم‌شناسی» اثر ساندرالک لیت با ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی و کتاب جرم و جرم‌شناسی اثر راب وایت و فیونا هینز با ترجمه علی سلیمی به این رویکرد اشاره شده است. از این‌رو در این مقاله برآنیم تا با بررسی مفاهیم و اندیشه‌های اساسی این رویکرد، در پرتو مکاتب حقوق کیفری و جرم‌شناسی به زمینه‌ها و جلوه‌های آنچه که امروزه به‌عنوان جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست شناخته می‌شود، بپردازیم.

۱- رئالیسم در لغت و اصطلاح

«رئالیسم» از ریشه لاتین به‌معنای واقعیت گرفته شده است. رئالیسم در معنای لغوی، معادل واقع‌گرایی یا واقعیت‌گرایی است. از لغت «Real» مأخوذ است که آن واژه از «Res» لاتین مشتق است که به‌معنای «شیء» است و «Reality» از همین کلمه مشتق شده است که به‌معنای واقعی یا واقعیت است.

واقع‌گرایی به‌عنوان یک شیوه خلاق، پدیده‌ای است تاریخی که در مرحله معینی از تکامل فکری بشر، زمانی که انسان‌ها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت و جهت تکامل اجتماعی پیدا کردند، زمانی که مردم، نخست، به‌طور مبهم و سپس آگاهانه، به این حقیقت پی بردند که اعمال و افکار انسان از هیجان‌های سرکش یا نقشه الهی ناشی نشده بلکه از علت‌های

واقعی، یا اگر دقیق‌تر گفته باشیم، از علت‌های مادی سرچشمه می‌گیرد، به‌ظاهر رسید.^۹ معنای واقع‌گرایی برحسب زمینه‌ای که این اصطلاح در آن استعمال می‌شود، متفاوت است. با این همه، واقع‌گرایی در هر حوزه‌ای از اندیشه، عبارت است از این آموزه که مفاهیم معینی که به آن حوزه تعلق دارند، واقعی هستند.

۲- ماهیت «واقعیت» در دیدگاه واقع‌گرایی راست

در پاسخ به این پرسش که در جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست چه چیزی واقعی است، ابهامات فراوانی مطرح است. به زبانی نسبتاً ساده، استفاده از واژه واقع‌گرایی در جرم‌شناسی واقع‌گرایانه، بیش از آنکه چهره‌ای فلسفی به خود بگیرد، ظاهری سیاسی دارد. ساندرا والک لیت^{۱۰} در کتاب شناخت جرم‌شناسی به‌خوبی اشاره می‌کند که استفاده از واژه واقع‌گرایی، استفاده‌ای سیاسی است زیرا تلاش می‌شود تا قلمرو جرم و سیاست‌های عدالت کیفری به‌عنوان موضوعی واقعی، از طریق توجه به عرصه سیاسی مورد اشاره قرار گیرند. استفاده فلسفی از واژه واقع‌گرایی، ملاحظه بیشتری را در خصوص شناسایی دلایل اصلی که به کار تولید آمار سطحی از نرخ فزاینده جرم می‌آیند، مبذول می‌دارد. چنین استفاده‌ای از واژه واقع‌گرایی به شکلی مناقشه‌انگیز هر نوع تحلیل از یک مسئله اجتماعی را نه در فضایی فردی بلکه در فضایی اجتماعی قرار می‌دهد.^{۱۱}

بنابراین، واقع‌گرایان جناح راست، برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود، ناگزیر از تمسک به پیش‌فرض‌ها و گزاره‌هایی هستند که هم‌زمان تلاش‌های فراوانی برای واقعی و کارآمد جلوه دادن آن انجام می‌دهند. مهم‌ترین این پیش‌فرض‌ها و گزاره‌ها عبارتند از اینک:

- ۱- جرم در جهان واقع، وجود «خارجی» دارد؛
- ۲- جرم و انحراف یک مشکل واقعی اجتماعی است که نیاز به راه‌حل‌های عملی دارد؛
- ۳- واقع‌گرایان می‌توانند تصویر واقعی‌تری از جرم و انحراف را ترسیم کنند؛
- ۴- خود فرد مسئول ارتکاب جرم است. (رهیافت انتخاب عقلانی^{۱۲}، بزهار محاسبه‌گر با اراده آزاد)؛

۹. رافائل ماکس، نگاهی به تاریخ ادبیات جهان، ترجمه محمدتقی فرامرزی (تهران: انتشارات شباهنگ، ۱۳۵۷)، ۲۱.

10. Sandra Walklate

۱۱. ساندرا والک لیت، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱)، ۸۲.

12. Rational Choice Approach

- ۵- سطح بالایی از «اختلال اجتماعی»^{۱۳} و سطوح پایین «کنترل اجتماعی»^{۱۴} با نرخ جرم بالاتر مرتبط است؛
- ۶- کیفر و تشدید آن، مهم‌ترین راهکار در مبارزه با بزهکاری است؛
- ۷- برای مبارزه با جرم و پیشگیری از انحراف و بزه، چاره‌ای جز محدودسازی، کنترل و سلب توان بزهکاران وجود ندارد؛
- ۸- سیاست اصلاح و درمان، ناکارآمد و با شکست مواجه شده است.

۳- مفاهیم و اندیشه‌های رئالیستی در پرتو مکاتب کیفری و جرم‌شناسی

جرم‌شناسی همانند خودِ جرم، مجموعه‌ای نیست که از ابعادی کاملاً یکدست و یکپارچه^{۱۵} برخوردار باشد؛ بلکه دیدگاه‌هایی متنوع و ضدونقیض را در درون خود جمع آورده است. دیدگاه‌هایی که گوناگونی آنها را باید در پرتو شناخت زمینه‌های اجتماعی‌ای موردتوجه قرار داد که معارف عقل بشر در بستر آن تولید می‌شود.^{۱۶} با مطالعه تاریخ تحولات کیفری درمی‌یابیم که همواره دیدگاه‌ها و آموزه‌هایی برای حل مسئله بزهکاری مطرح شده که هرکدام در یک دوره اندیشه رونق داشته و سپس با رونق اندیشه‌ای دیگر به حاشیه رفته‌اند. جنبش مطالعات انتقادی حقوق که در دهه ۱۹۷۰ در دامن تمدن غربی و به‌ویژه آمریکا شکل گرفت، تفکر حقوقی مدرن را به چالش می‌کشد. این جنبش هم به‌لحاظ روندهای تاریخ شکل‌گیری و هم به‌لحاظ محتوایی، ساده و یکدست نیست، بلکه وامدار مکتب‌ها و آیین‌های گوناگون است.^{۱۷} جنبش مطالعات رئالیستی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، همانند اغلب جنبش‌های فکری در دنیا، تحت‌تأثیر برخی اندیشه‌های سابق شکل گرفته است. همواره اندیشه‌های موجود در جریان‌ها و جنبش‌های فکری گذشته نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه‌های جنبش نوپا داشته و گاه نقطه عزیمت دیدگاه‌های جنبش اخیر را تشکیل می‌دهند.

۳-۱- پیش‌فرض‌ها و گزاره‌های نخستین واقع‌گرایی راست

جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست پیوندهای تاریخی خاصی با چندین سنت متفاوت و موجود در

13. Social Disorder

14. Social Control

15. Monolith

۱۶. راب وایت، و فیونا هیتز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی (قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲)، ۳۴.

۱۷. مجتبی جعفری، جامعه‌شناسی حقوق کیفری (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، ۱۰۳.

حوزه جرم‌شناسی دارد. از این رو در ادامه، پیش‌فرض‌ها و گزاره‌های واقعیت جرم، کیفر و توجیه آن و مسئولیت فرد در ارتکاب جرم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱- واقعیت جرم؛ جرم در جهان واقع، وجود خارجی دارد

ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد آیا آنچه را که ما جرم می‌نامیم و می‌دانیم، در دنیای خارج وجود دارد یا خیر؟ سپس به این مبحث می‌پردازیم که جرم در دیدگاه واقع‌گرایی راست چه ماهیتی دارد.

عده‌ای را عقیده بر این است که جرم همانند بیماری، یک پدیدهٔ بهنجار^{۱۸} است و همانند سایر رفتارهای معمولی انسان در جامعه بروز می‌کند. در مقابل، عده‌ای دیگر به این باور رسیده‌اند که جرم در زمرهٔ رفتارهایی نیست که از همان دوره‌های آغازین اجتماعی شدن انسان از وی سر می‌زند و بلکه به جرئت می‌توان گفت که چیزی به نام جرم وجود ندارد و چنان‌که چنین پدیده‌ای قابل‌تصور باشد، از یک انسان آزاد و با اختیار، قابل‌تولید نیست.^{۱۹} امیل دورکیم^{۲۰} - جامعه‌شناس فرانسوی - در کتاب «قواعد روش جامعه‌شناسی» با ذکر این نکته که جرم را باید بیماری اجتماعی قلمداد کنیم، عنوان می‌دارد: «وقتی جرم را در شمار پدیده‌های اجتماعی بهنجار قرار می‌دهیم، تنها نمی‌گوییم که این امر، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر ولی تأسف‌آور است و پدیده مذکور معلول مردم‌آزاری اصلاح‌ناپذیر بشر است. معنای این کار، این است که معتقدیم جرم عاملی از عوامل سلامت عمومی و جزء تفکیک‌ناشدنی هر جامعه سالم است.»^{۲۱}

در جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، تمرکز اصلی بر کنترل و جلوگیری از رفتار جنایی است، به این ترتیب، زبان واقع‌گرایی را برای توصیف جرم و فرایند قانون‌گذاری، به جای پرداختن به علل وقوع جرم به کار می‌گیرند. دیدگاه واقع‌گرایی راست این نظر را پذیرفته است که جرم در جامعه وجود خارجی دارد؛ پس باید از چهره ناآشکار آن پرده برداشت. به بیان دیگر، عمده تأکید این رویکرد بر مشکل از قلم افتادن جرم^{۲۲} است؛ یعنی، پرده برداشتن از گستره حقیقی یا واقعی جرم با استفاده از روش‌هایی مانند بررسی‌های پیمایشی بزه‌دیدگان، پیمایش‌های

18. Normal

۱۹. حسن عالی‌پور، «واقعیت جرم»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست ۲۷ (۱۳۸۸)، ۱۱۵.

20. Durkheim David Emile

۲۱. امیل دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه محمدعلی کردان (تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

۱۳۷۷)، ۸۲.

22. Problem of Omission

خودگزارشی، آزمون‌های موقعیتی، به‌کارگیری دوربین‌های مخفی و امثال آن.^{۲۳} این اهتمام و تلاش واقع‌گرایان راست در القای وجود خارجی داشتن جرم از یک طرف و القای پنهان بودن گستره واقعی جرایم از طرف دیگر، محصول یک نظریه یا دیدگاه علمی صرف نبوده، بلکه زمینه‌های سیاسی همچون همراهی گفتمانی توده‌گرایانه برای دستیابی به مقاصد سیاسی در شکل‌گیری آن تأثیر اساسی داشته است.

۳-۱-۲- توجیه کیفر؛ مجازات راهکاری کارآمد در مبارزه با جرم

یکی از ایده‌های بنیادی تفکر واقع‌گرایی راست در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، تأکید بر اهمیت مجازات و تشدید آن در مبارزه با پدیده بزهکاری است. این تفکر جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، پیوندهای تاریخی خاصی با مکاتب و نظریه‌های پیشین در حوزه جرم‌شناسی دارد.

مجازات نیازمند توجیه است، زیرا مستلزم رفتارهایی است که اگر در چهارچوب حقوق کیفری و تحت عنوان مجازات انجام نشوند، از نظر اخلاقی با مشکل مواجه هستند.^{۲۴} اندیشه‌های سزاگرایانه در قسمت قابل‌توجهی از قرن بیستم، از سوی جرم‌شناسان، کیفرشناسان و فلاسفه حقوق کیفری، اندیشه‌ای واپس‌گرا^{۲۵} و متروک تلقی می‌شد. اما دهه‌های آخر سده بیستم، دوران رستاخیز پارادایم سزاگرایی است، به‌گونه‌ای که بسیاری از منتقدان این تفکر به حامیان جدی آن تبدیل شدند. در دوران باستان و در بُعد نظری، اولین بارقه‌های رویکرد سزاگرایی را می‌توان در اندیشه‌های متفکران یونان باستان یافت. شاید بتوان ارسطو را نخستین فردی دانست که تلاش نمود اجرای کیفر را ضابطه‌مند نماید. در واقع او را می‌توان نماینده برجسته سزاگرایی در جهان باستان دانست. در اندیشه او همانند دیگر سزاگرایان در طول تاریخ، آزادی اراده و پایبندی به اخلاق عناصری اساسی تلقی می‌شوند.^{۲۶} بنابراین برای اعاده وضع سابق و ایجاد تعادل مجدد در جامعه چاره‌ای جز کیفر بزهکاران وجود ندارد. در اندیشه ارسطو به حکم عدالت و اخلاق، کیفر بزهکاران امری اجتناب‌ناپذیر است. این حکم آن‌چنان گسترده و فراگیر است که در منطق او درخت و یا خنجری که جرم

۲۳. وایت و هیتز، پیشین، ۵۴.

24. Anthony Duff and David Garland, *Thinking about Punishment, in A Reader on Punishment* (New York: Oxford University Press, 1994), 2.

25. Retired Thoughts

۲۶. عبدالرضا جوان جعفری و سید محمدجواد ساداتی، «از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین»، *آموزه‌های حقوق کیفری* ۲ (۱۳۹۰)، ۱۲۴.

به وسیله آن واقع شده است فارغ از مسئولیت کیفری نمی‌باشد.^{۲۷}

مکتب عدالت مطلق در عرصه حقوق کیفری را با نام کانت می‌شناسند. کانت به آورده‌های مذهبی و قانون اخلاقی که در درون آن قرار دارد معتقد است. از این رو، مفاهیم عدالت و اخلاق را می‌ستاید و به آن اهمیتی والا می‌دهد.^{۲۸} قداستی که کانت برای عدالت قائل است، دیدگاه وی را در ارتباط با مجازات و توجیه آن، آرمانی می‌نماید. برای اخلاق‌گرایی چون کانت و پیروانش، نظام کیفری برای حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه لازم و ضروری است و مجازات تنها به همین دلیل و در صورتی موجه است که بی‌حرمتی انجام‌شده نسبت به این ارزش‌ها یا هنجارها را در یک نسبت هماهنگ با آزادی و عقلانیت مرتکب جبران نماید.^{۲۹} در نگاه کانت جرم دارای قبح ذاتی بوده و در مقابل کیفر نیز ذاتاً پسندیده است. جرم تعرض به نظم اخلاقی است. به همین دلیل است «که مجازات در احیای اصول اخلاقی مورد تعرض، دارای حسن ذاتی می‌باشد. به تعبیر دیگر تکلیف مجازات را قانون عدالت بر دوش ما خواهد گذاشت.»^{۳۰}

برای اینکه تفکر کلاسیک‌ها را بفهمیم درک اینکه آنها در مقابل چه چیزی عکس‌العمل نشان می‌دادند به ما کمک خواهد کرد. مجازات تحت نظام قدیم قرن هیجدهم اروپا یک‌طرفه و به‌سختی سزاگرا بود که بیشتر به‌وسیله مجازات‌های بدنی و مجازات مرگ احاطه شده بود. علاوه بر این، «رسیدگی لازم یا منصفانه» در شکل تضمین‌های قانونی مؤثر در مقابل محکومیت مبنی بر اشتباه در نظام عدالت کیفری زمان وجود نداشته و حتی قوانینی که توضیح می‌دادند چه اعمالی مجرمانه است مبهم و بسیار کلی و گسترده بودند. از طرف دیگر، وجود اختیارات گسترده برای قضات و حکومت (خصوصاً در شکل عفو که به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شد) بدین‌معنا بود که به همان اندازه که احتمال داشت گناهکار مجازات نشود ممکن بود فرد بی‌گناه اشتبهاً محکوم شده و به‌سختی با او برخورد شود. کلاسیک‌ها ادعا کردند که چنان سیستمی نه‌تنها غیرانسانی و غیرمنصفانه بود بلکه عمیقاً

۲۷. مجید آقایی، مکاتب کیفری (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶)، ۷۶.

۲۸. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴)، ۱۰۹.

۲۹. علی صفاری، کیفرشناسی و توجیه کیفر در علوم جنایی (تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴)، ۱۰۰.

۳۰. قدرت‌الله خسروشاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰).

غیرمنطقی و ناکارآمد برای وظیفه کنترل جرایم بود.^{۳۱}

جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست ادعا می‌کند حقایق درخصوص جرم و کنترل آن وجود دارد که مورد توجه نظریه‌های دیگر قرار نگرفته است. از جمله اینکه جرم در جهان واقع وجود «خارجی» دارد، جرم و انحراف یک مشکل واقعی اجتماعی است که نیاز به راه‌حل‌های عملی دارد و خود فرد مسئول ارتکاب جرم است. اعتقاد به این گزاره‌ها راه‌حلی جز تمسک به کیفر، سلب توان بزهکاری و اجرای سیاست کیفری سخت‌گیرانه باقی نمی‌گذارد. این نوع جرم‌شناسی مدعی است آسیب وارد شده از طرف فرد مجرم بر افراد و یا جامعه آسیبی واقعی است. مجازات اثر مطلوبی در حراست از جامعه در مقابل این افراد دارد و مهم‌تر از همه اینکه مجرمان افرادی پست و حقیر هستند که شایسته همدردی و دلسوزی نیستند.^{۳۲} غالباً گفته می‌شود که عنوان مدل عدالت، از اواخر سال‌های ۱۹۷۰ به این طرف به وسیله سیاسیون راست‌گرا مورد پذیرش قرار گرفت، هرچند اصالتاً توسط لیبرال‌ها و رادیکال‌هایی که طرفدار کاهش کلی شدت کیفرها بودند، مطرح گردید. چه چنین توضیحی از وضعیت موضوع، بهترین روش باشد یا نه، به درستی می‌توان برخی راهبردها و رویکردهای پراهمیت را برای کیفر در این دوره معرفی کرد که برخی جنبه‌های مدل عدالت را با حرکت‌های سریع و گسترده ایدئولوژی کیفرگرا و توده‌محور «قانون و نظم» با هم ترکیب می‌نمود و به گونه‌ای که قبلاً گفته شده از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد طرفداران بیشتری یافته است.^{۳۳}

۳-۱-۳- آزادی اراده و انتخاب عقلانی؛^{۳۴} مسئولیت مستقیم جرم برعهده مرتکب است

این رویکرد، انسان‌ها را موجوداتی عقلانی و برخوردار از اختیار می‌داند و در همان حال، بر نوعی فلسفه اخلاق مبتنی بر خودبینی تکیه دارد؛ فلسفه‌ای که در آن، تنها قیدوبندهای ممکن بر رفتار در این نکته خلاصه می‌شود که باید فرد را موظف ساخت تا از اعمال زور بر دیگران اجتناب ورزد. از لحاظ تاریخی، مکتب کلاسیک اعتقاد به اراده آزاد مرتکب داشته و وی را مختار قلمداد می‌کند و قائل به وجود مسئولیت اخلاقی برای مرتکب است. این مکتب فقط به

۳۱. میشل کاوادیانو، جیمز دیگنان، «توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات»، ترجمه علی صفاری، تحقیقات

حقوقی ۴۳ (۱۳۸۵)، ۴۱۰.

32. Melossi Dario, *Controlling Crime, Controlling Society Thinking about Crime in Europe and America* (Cambridge: Polity Press, 2008), 205.

۳۳. کاوادیانو و دیگنان، پیشین، ۴۱۰.

34. Rational Choice

عمل انجام شده توجه دارد و مرتکب را از لحاظ جسمی و روحی مورد ملاحظه و مطالعه قرار نمی‌دهد. بکاریا انسان را موجودی عاقل، مختار و حسابگر می‌داند و تأکید او در اجرای مجازات بیشتر بر جنبه بازدارندگی از جرم است تا اصلاح و درمان مجرم. بنام نیز انسان را یک حسابگر منطقی و اقتصادی می‌داند و معتقد است مجرمان با محاسبه سود و زیان، در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه تصمیم‌گیری می‌نمایند. وی این تئوری خود را در کتاب «مجازات‌ها و پاداش‌ها» تبیین کرده است.

طرفداران مکتب تحقیقی حقوق جزا بر این عقیده بودند که بزهکاری معلول بدی فطرت یا سرشت شخص بزهکار که بنا به فرض در کمال آزادی اراده به سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کند، نیست، بلکه در اثر عوامل جسمانی «لمبروزو»^{۳۵}، یا عوامل اجتماعی «فری»^{۳۶} به وجود می‌آید. با رواج عقاید مکتب تحقیقی جزا عده‌ای بر این باور عقیده شدند که باید اصول فلسفی این مکتب را کنار گذاشت و دربارهٔ نهادهای جزایی که از طرف این مکتب توصیه شده بود، به آزمایش عملی پرداخت. عقاید این مکتب که تحت تأثیر تمایلات فلسفی اواخر قرن نوزدهم و به خصوص افکار ویلیام جیمز^{۳۷} آمریکایی قرار گرفته، به مکتب اصالت عمل جزایی معروف شده است. قبل از استقرار این مکتب عده‌ای از جرم‌شناسان فرانسوی، من جمله سالی^{۳۸} و کوش^{۳۹} سعی می‌کردند تا نظریه آزادی اراده را با بعضی نتیجه‌گیری‌های عملی مکتب تحقیقی حقوق جزا هماهنگ سازند.^{۴۰}

منتسکیو^{۴۱} نیز معتقد است انسان دارای اراده‌ای آزاد است و با اراده، عقل و آزادی، قانون را نقض می‌کند. کانت^{۴۲} نیز به شخصیت انسان توجه خاصی دارد و بر این باور است که انسان با اختیار و آزادی تمام شرارت را انتخاب می‌کند. اندیشمندان مکتب نئوکلاسیک نیز انسان را موجودی مختار دانسته و ارادهٔ او را عامل وقوع جرم تعیین نموده‌اند.

جرم‌شناسی واقع‌گرای راست، آزادی اراده را یک واقعیت انکارناپذیر می‌داند و این‌گونه استدلال می‌کند که افراد فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، نشان‌دهنده این است که اراده‌ای

35. Cesare Lombroso

36. Enrico Ferri

37. William James

38. Saleilles

39. Cuhe

۴۰. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸)، ۱۲۳-۱۱۵.

41. Montesquieu.

42. Immanuel Kant

وجود دارد، اگرچه تحت‌تأثیر عوامل متعددی است.^{۴۳} بر این اساس جرم به‌عنوان یک کنش، به‌صورت آگاهانه انتخاب می‌شود و چون اشخاص در رابطه با عملکرد خود مسئول تلقی می‌شوند، مجرم نه‌تنها باید مجازات شود بلکه باید خسارت وارده به فرد بزه‌دیده را جبران نماید.^{۴۴} ویلسون ماهیت فردگرایی بزهکاری را بررسی کرده و از یک دلیل سودگرایی برای توجیه عمل انسانی استفاده نموده است. وی معتقد است اگر ارزش و زمینه فراهم نمودن فرصت‌های مشروع (یا به‌عبارتی مشاغل) کاهش یابد و درست همان زمان، هزینه فرصت‌های نامشروع (یا به‌عبارتی، جریمه‌ها و شرایط حبس در زندان) افت کند، آنگاه یک نوجوان خردمند به‌درستی این‌گونه نتیجه خواهد گرفت که منطقی‌تر آن است که به‌جای شستن ماشین‌ها، آنها را برباید.^{۴۵} استدلال می‌شود که متخلفان بر اساس طول حکم (میزان مجازات حبس تعیین‌شده) متوقف نمی‌شوند، بلکه قبل از هر چیز، بر احتمال اجرا یا عدم‌اجرای حکم می‌نگرند و بنابراین پیامدهای میزان مجازات به‌تدریج توانایی خود را برای کنترل رفتار از دست می‌دهند و این قابلیت اجرای حکم است که در مجرمان محاسبه‌گر تأثیر می‌گذارد.^{۴۶}

بدین ترتیب جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، دارای دو ویژگی عمده است: نخست پرداختن به فرد در درون جامعه به‌عنوان محور اصلی با در نظر گرفتن این مهم که موضوعات اجتماعی و محیطی از درجه اهمیت کمتری برخوردارند و دوم ارائه نوعی رویکرد اخلاقی و مجازات‌گرا در مورد جرم. این نوع جرم‌شناسی، نوعی محاسبه‌گرایی است که در آن، بزهکار محاسبه‌گر در مقابل مردم محاسبه‌گر قرار می‌گیرد و خطرساز با خطرپذیر مواجه می‌شود.^{۴۷} بنابراین دهه ۱۹۷۰ شاهد بازگشت به شیوه‌هایی از اندیشیدن به جرم بود که به‌رغم ارائه شدن به زبان‌های مختلف، این اندیشه قدیمی را احیاء می‌کردند که ریشه‌های بی‌قانونی نه در ساخت اجتماعی، بلکه در درون خود افراد قرار دارد.

۴۳. کریستین لازرژ، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرنآبادی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، ۴۳.

۴۴. علی نجفی‌توانا، *جرم‌شناسی* (تهران: انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۹۱)، ۹۵.

45. James.Q. Wilson, *Thinking about Crime* (New York: Basic Books, 1975), 21.

46. James.Q. Wilson, Richard J. Herrnstein, *Crime and Human Nature* (New York: Simon and Schuster, 1985), 49.

47. The Risk Maker Meets the Risk Taker.

۴- ظهور جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست

جیمز کیو. ویلسون^{۴۸} برای اولین بار مقاله‌ای تحت عنوان «تفکر درمورد جرم» را در آمریکا در سال ۱۹۷۵ منتشر کرد. ویلسون به‌عنوان نخستین حامی رئالیسم راست، درمورد جرم از دیدگاه سیاست‌ها و فلسفه راست‌گرای جدید بحث کرده است ولی باوجود این - و قطعاً در اولین کار خود - قسمت اعظم رویکرد محافظه‌کارانه سنتی کنترل جرم و همچنین رویکردی که توسط چپ‌گرایان سیاسی پیشنهاد شده بود را رد کرده است. ویلسون این استدلال‌ها، که وجود جرم به‌عنوان یک مشکل واقعی را تکذیب می‌کنند، تحقیر کرده است. درمقابل معتقد است، جرم به‌عنوان یک رفتار کاملاً غیرقابل قبول، به یک پاسخ اجماعی و سخت‌گیرانه نیاز دارد و این، چالش اصلی رئالیسم راست است. لذا، ویلسون و جورج کلینگ^{۴۹} معتقدند که باید از پلیس به مؤثرترین شکل ممکن نه‌تنها در کاهش جرم بلکه در حفظ نظم اجتماعی نیز استفاده شود.^{۵۰}

واقع‌گرایان راستین بر این باورند که حفظ نظم به مکانیزم‌های کنترل جامعه اجازه می‌دهد تا رفتار اطاعت از قانون را شکوفا و آن را رواج دهند. لذا این عملکرد سازنده پلیس محیطی را مهیا می‌کند که امکان شکوفایی جرم در چنین محیطی وجود نخواهد داشت. تمرکز باید کمی متوجه نقض‌های ساده قانون جزا و بیشتر متوجه ساماندهی زندگی‌ها و بی‌تمدنی‌های خیابانی باشد - مانند، روسپیگری، تکدی‌گری، دعوای اراذل و اوباش، مستی و رفتار خلاف نظم عمومی - که ذاتاً ممکن است چندان آسیب‌رسان نباشند ولی در مجموع برای جامعه زیان‌بخش خواهند بود و لذا باید آنها را کنترل کرد. ویلسون و ریچارد هرنشتاین یک تبیین زیست - اجتماعی را پیشنهاد کرده‌اند که با استفاده از مؤلفه‌های بیولوژیکی و فیزیولوژیکی توضیح می‌دهد که چرا برخی از افراد بیشتر مستعد ارتکاب جرم هستند. به‌نظر این مؤلفین میل افراد به ارتکاب جرم باتوجه به حدی که تا آن حد ذاتاً نسبت به کنترل خود متعهد هستند، فرق می‌کند. تمام این، به سطح سرمایه‌گذاری جامعه در زمینه ارتقای خودکنترلی از طریق مکانیزم‌های اجتماعی‌شدگی جامعه و همچنین به مشخصات نه الزاماً غیرقابل‌تغییر بیولوژیکی و ژنتیکی افراد بستگی دارد. رئالیست‌های راست بر این نکته تأکید دارند که

48. James Q. Wilson

49. George Kelling

50. Roger Hopkins Burke, *An Introduction to Criminological Theory* (Published Simultaneously in the USA and Canada: Willan Publishing, 2014), 49.

مرتکبین و قربانیان جرایم تجاوزکارانه، هردو، متعلق به یک اجتماع هستند.^{۵۱}

۴-۱- زمینه‌های شکل‌گیری و تجدید حیات جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست
واقع‌گرایی راست، ریشه در عوامل متعددی دارد. می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جرم‌شناختی در ظهور و استمرار برنامه‌ها و اهداف این نظریه نقش اساسی داشته‌اند. مطالعه زمینه‌ها و جلوه‌های شکل‌گیری این نظریه برای درک بهتر آن، بی‌شک از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۴-۱-۱- زمینه‌های سیاسی

تعبیر راست جدید را پیش از آنکه به‌عنوان نظریه‌ای مستقل، نظام‌مند و منسجم بدانیم، باید نوعی جهت‌گیری خاص سیاسی دانست که صیغه جرم‌شناسی به خود گرفته است.^{۵۲} مسلماً تعامل زیادی بین «سیاست جنایی» و «دنیای سیاست» وجود دارد؛ زیرا سیاستمداران، غالباً با جرم‌انگاری رفتارها، چهارچوب پاسخ‌های جامعه را مشخص می‌کنند. در صورتی که اگر سیاست حقوقی شود، حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به‌گونه‌ای مطلوب، تأمین و تضمین می‌شود. اما فاجعه زمانی رخ می‌دهد که حقوق به ابزاری سیاسی و وسیله‌ای برای حکمرانی تبدیل گردد. امروزه در کمتر مبارزه انتخاباتی (در سطح محلی، منطقه‌ای، استانی یا کشوری) است که سیاستمداران و نامزدهای مشاغل سیاسی از مبارزه با جرم و حفظ نظم و امنیت سخن به میان نیاورند و از این نوع تبلیغات و شعارها برای کسب حداکثر آراء استفاده بهینه نکنند. این امر، یکی از ابزار موفقیت جناح راست افراطی در کشورهای غربی در رسیدن به قدرت بوده است.^{۵۳}

در دهه ۱۹۷۰ روشنفکران محافظه‌کار آمریکایی و بریتانیایی یک کمپین اخلاقی جدی علیه انواع مختلف انحرافات به راه انداختند و در سال ۱۹۷۹ بود که خانم مارگارت تاچر^{۵۴}

51. James.Q. Wilson, Richard J. Herrnstein. op.cit. 51.

۵۲. وایت و هیتز، پیشین، ۳۴.

۵۳. حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، «جنبش‌های بازگشت به کيفر»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۶ و ۱۵ (۱۳۸۴)، ۲۶۴.

54. Margaret Hilda Thatcher

معروف به بانوی آهنین (Iron Lady)، نخستین نخست‌وزیر زن تاریخ بریتانیا و همچنین رهبر سابق حزب محافظه‌کار بریتانیا بود. وی در سال ۱۹۷۵ به رهبری این حزب برگزیده و چند سال بعد در ۱۹۷۹ با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه‌کاران نامزد شد و به نخست‌وزیری بریتانیای کبیر رسید و تا سال

برای اولین بار در بریتانیای جنگ‌زده از نقش بسیار مهم مقوله جرم در یک انتخابات موفقیت‌آمیز پرده برداشت. دغدغه اصلی او استقرار مجدد چیزی بود که آن را «ارزش‌های ویکتوریایی»^{۵۵} معرفی می‌کرد و برای رسیدن به این مهم، جامعه اباحه‌گری ضعیف دهه ۱۹۶۰ و مشروعیت ادراک‌شده آن در علوم اجتماعی را هدف قرار داد. برای تحقق این سیاست راست‌نو، دستاوردهای اقتصادی، فناورانه و مدیریت جهان مدرن باید محافظت می‌شدند و توسعه می‌یافتند و درعین حال باید یک جریحه‌دارسازی همه‌جانبه فرهنگ و مؤلفه‌های اخلاقی این دنیای مدرن را هدف قرار می‌داد. لذا محافظه‌کاران پوپولیست^{۵۶} به دنبال احیای سنت گذشته و احیای ارزش‌های دولت، مدارس، خانواده و به‌طور ضمنی، احیای پذیرش بی‌چون‌وچرای اقتدار بوده‌اند.^{۵۷} در اواخر دهه ۱۹۷۰ با تحولاتی که در عرصه سیاسی صورت گرفت، جرم از مفهومی در انحصار عدالت کیفری خارج و به‌عنوان مقوله‌ای مهم وارد عرصه سیاست‌گذاری عمومی شد.

در سال ۱۹۷۹ دولت بر سرکارآمده تاچر، وجود ارتباطی قوی‌تر را مدعی شد؛ ادعایی که هم در هنگام پیروزی آنان در انتخابات سال ۱۹۷۹ م. وجود داشت و هم میان جرم، اعتراض و مشاجرات صنعتی در زمان دولت کارگری. این مسئله زمینه را برای حکومت مستمر محافظه‌کاران در طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۸ سال بعد فراهم آورد. محافظه‌کاران موضوعات مربوط به قانون‌شکنی و مخالفت با نظم را مطرح نمودند. آنها نه فقط سیاست‌ها بلکه درستکاری حزب کارگر را موردحمله قرار دادند. آنها ادعای سنتی خود مبنی بر اینکه حزب طبیعی دولت بودند را از نو طراحی کردند و نظم اقتدار مستقر^{۵۸} را مطرح نمودند. آنها به‌خوبی در نشان دادن مسئولیت حزب کارگر در حکمرانی‌ناپذیری^{۵۹} ادعا شده برای انگلستان موفق بودند. آنها ترس گسترده عمومی را در مواردی چون رشد بی‌بندوباری و پایین آمدن اخلاق عمومی، ترس از جرم، فساد در درون شهرها، عجیب بودن سبک‌های جوانان و اعتراضات خیابانی بزرگ‌نمایی کردند.^{۶۰}

۱۹۹۰ در هردو سمت باقی ماند.

55. Victorian Values

56. Populist Conservatives

57. Hopkins Burke, *An Introduction to Criminological Theory*, op.cit. 46.

58. Order of Stablished Authority

59. Ungovernability

۶۰. مایک مگوایر، راد مورگان و رابرت رینر، *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳)، جلد چهارم، چاپ اول، ۷-۱۹۹۶.

در آمریکا آقای «باری گلدواتر»^{۶۱}، از حزب جمهوری‌خواه، در جریان مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در سال ۱۹۶۴ آقای «نیکسون»^{۶۲}، از حزب جمهوری‌خواه، طی مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در ۱۹۶۸ آقای «جانسون»^{۶۳}، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا (از ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸)، آقای «جرج دبلیو بوش»^{۶۴}، رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ از مقوله‌های جرم، افزایش جرایم، خشونت، ترس از جرم، قانون و نظم، اقتدار تضعیف‌شده پلیس و قضاوت و لزوم مبارزه با تروریسم به‌شدت استفاده نموده و با ارائه تصویری اغراق‌آمیز از جرم و انحراف به‌عنوان یک مشکل واقعی اجتماعی که نیاز به راه‌حل‌های عملی دارد، اهداف سیاسی خود را دنبال نموده‌اند. به‌لحاظ ایدئولوژیک، رئالیسم جدید راست، در موضع سیاسی خود به‌شدت محافظه‌کارانه است.

کاندیداهای محافظه‌کار برای پیروزی در انتخابات، درصدد جلب افکار عمومی به‌سوی مسئله جرم و افزایش آمار جرایم و هم‌زمان با تلاش برای القای عدم‌توانایی سیاست‌های لیبرالی در کاهش و پیشگیری از بزهکاری برآمدند. این‌گونه سیاسی شدن رویکرد به جرم و بهره‌برداری انتخاباتی سیاستمداران از مقوله جرم، ترس از آن و احساس ناامنی مختص به خاستگاه آن یعنی ایالات‌متحده آمریکا نبوده، بلکه این امر با روی کار آمدن احزاب راست‌گرا در انگلستان و سایر کشورهای غربی نیز اتفاق افتاد. این رویکرد در ایتالیا با پیروزی سیلیویو برلوسکنی^{۶۵} و در فرانسه با جدال ژان ماری لوپن^{۶۶} و ژان شیراک^{۶۷} تجدید حیات یافته است. انتخابات سال ۲۰۱۰ در انگلستان به‌دنبال عمیق‌ترین رکود اقتصادی از سال‌های دهه ۱۹۲۰ به وقوع پیوست. رکودی همراه با یک بحران بانکداری چنان جدی که ظرفیت تنظیمی دولت، صلاحیت اقتصادی حکومت و دیدگاه‌های انتقادی مخالف را زیر سؤال برد. هر سه حزب عمده سیاسی به‌وسیله رهبرانی اداره می‌شدند که شایستگی‌شان برای رئیس‌جمهور شدن به‌شدت موردشک و تردید قرار داشت. آنچه وجود داشت نوعی سنت

61. Barry Morris Goldwater

تاجر و پنج دوره سناتور ایالات متحده از آریزونا و کاندیدای ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۶۴ بود. او که در نیمه اول دهه ۱۹۶۰ چهره‌ای سخنور و کاریزماتیک بود به «آقای محافظه‌کار» مشهور بود.

62. Richard Milhous Nixon

سیاست‌مدار و سی و هفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بود که از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ این مقام را در اختیار داشت.

63. Lyndon B. Johnson

64. George Walker Bush

65. Silvio Berlusconi

66. Jean Marie Le Pen

67. Jacques Chirac

ارجاع‌دهی در بیان‌های حزبی بود. حزب کارگر یکی از ده فصل بیانیه خود را به «جرم و مهاجرت» اختصاص داده بود. اصطلاح «تلافی کردن اجتماع» از سوی حزب کارگر برای مجازات‌های اجتماعی سخت‌گیرانه به کار بسته شد. افزایش مکان‌های حبس از ۲۶ هزار در سال ۱۹۹۷ به ۹۶ هزار مکان در سال ۲۰۱۴ و مجبور کردن بزهکاران به کار در میان عموم با لباس‌های نارنجی‌رنگ بخشی از برنامه‌های تلافی کردن اجتماع بود. بیانیه حزب محافظه‌کار به شکلی بسیار مشابه در خصوص اهداف و راه‌حل‌های قانون و نظم صادر شد با این فرق که نقطه آغاز آن، متفاوت بود. «انگلستان شکسته» باید به‌وسیله «جامعه بزرگ» ترمیم می‌شد. حزب لیبرال دموکرات نیز مواردی بسیار مشابه را در خصوص قانون و نظم موردتوجه قرار می‌داد، آنها پیشنهاد انتخاب مستقیم مقامات پلیس، وعده انتصاب سه هزار نفر مأمور ضربت و تصمیم ایجاد محاکم عدالت کیفری محلات را مطرح نمودند.^{۶۸}

بنابراین، با بررسی دقیق پیشنهادهای احزاب در انتخابات سال ۲۰۱۰ انگلستان، مشخص می‌گردد که سیاست‌های موردنظر آنان برای اجرا در صورت موفقیت، بسیار شبیه یکدیگر بوده و آنها برای پیشبرد اهداف خود، بیشترین استفاده را از موضوعات مربوط به قانون‌شکنی و مخالفت با نظم برده‌اند.^{۶۹}

۴-۱-۲- زمینه‌های اقتصادی

از دهه پنجاه تا هفتاد میلادی، تقریباً همه کشورهای غربی دوره شکوفایی اقتصادی را که به سی سال طلایی معروف بوده، تجربه نموده‌اند. توزیع عادلانه ثروت، شکوفایی و توسعه اقتصادی، ارائه خدمات اجتماعی و بیمه‌های درمانی از سوی دولت و اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره طلایی بوده است. دهه هفتاد میلادی با بحران‌های اقتصادی شدید توأم بود. به‌ویژه بحران ناشی از افزایش قیمت نفت (شوگ یا تکانه نفتی^{۷۰})، افزایش بی‌خانمان‌ها، افزایش بیکاری و تورم، انباشت ثروت و سرمایه در دست عده‌ای محدود از اعضای جامعه و ایجاد شکاف طبقاتی شدید. این چالش‌ها حصول رفاه اجتماعی را با مشکل مواجه نمود و به‌شدت گرفتن انتقادات از دولت رفاهی انجامید.

۶۸ مایک مگوایر، راد مورگان و رابرت رینر، *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵)، جلد چهارم، چاپ اول، ۲۰۰۴-۲۰۰۰.

۶۹ نتایج انتخابات سال ۲۰۱۰ در انگلستان: حزب محافظه‌کار ۳۰۶ کرسی، حزب کارگر ۲۵۸ کرسی و حزب لیبرال دموکرات ۵۷ کرسی.

کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان با کنار گذاشتن ایده‌های دولت رفاه، به آرمان‌های دولت لیبرال مانند اقتصاد آزاد و مکانیسم خودتنظیمی بازار آزاد برگشتند. دوره تاجر در انگلستان و دوره ریگان در آمریکا مثال بارز چنین بازگشتی است. این لیبرالیسم جدید همراه با قدرت گرفتن اندیشه‌های محافظه‌کاری در عرصه سیاسی - اجتماعی، راست جدید را پدید آورد. دولت نئولیبرال با گرایش راست جدید، در زمینه مسائل اقتصادی کوچک و ضعیف است و در زمینه مسائل اجتماعی و امنیتی قدرتمند و سرکوب‌گر است. این شکل جدید از دولت، بستر مناسبی را برای شکل‌گیری و تقویت سخت‌گیری کیفری در جوامع غربی ایجاد کرد.^{۷۱} با زوال رونق اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری که در سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰ م. رقم خورد، دیدگاهی محافظه‌کار در قلمرو جرم‌شناسی شکل گرفت که دقیقاً در نقطه مقابل لیبرال‌منش‌هایی قرار داشت که به‌ویژه در آراء و نظرات تئوری فشار و دیدگاه‌های برچسب‌زنی دیده می‌شد.^{۷۲}

هر سیاست کیفری مستلزم نظام اقتصادی مرتبط با آن است. سیاست اصلاح و درمان و ایده بازپروری با تئوری دولت رفاه هم‌خوانی و تطابق زیادی داشت. سیاست‌های اصلاح و درمان هزینه‌های زیادی برای دولت رفاه در پی داشت. دولت رفاه باید کوچک می‌شد و از وظایف خود می‌کاست. یکی از این وظایف، تعهد به بازپروری و اصلاح و درمان مجرمان بود. از طرفی با تضعیف ایده اصلاح و درمان، ایدئولوژی محافظه‌کارانه در بسیاری از کشورهای غربی در دستور کار قرار گرفت و رویکردهای واقع‌گرایانه برای پیشگیری از جرم و خطر بزهکاری مطرح گردید.

۴-۱-۳- زمینه‌های جرم‌شناختی

پس از گذشت چندین دهه تسلط دیدگاه بالینی تقریباً از دهه ۱۹۷۰ م. مشروعیت و کارایی نظام اصلاح و درمان و پیشگیری از جرم مورد تردید واقع شد. همگام با تحولات جرم‌شناختی، تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های پس از ۱۹۷۰ مجازات در نظام عدالت کیفری بسیاری از کشورهای غربی مانند آمریکا از اهداف اصلاحی و درمانی خود فاصله گرفت و بیشتر جنبه تنبیهی و سخت‌گیرانه پیدا کرد. پیشگیری از جرم از گذر اصلاح و بازپروری مجرم جای خود را به کنترل خطر بزهکاری و کاهش فرصت‌های مجرمانه و

۷۱. سمانه طاهری، سیاست کیفری سخت‌گیرانه (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، چاپ اول، ۶۵.

۷۲. والک لیت، پیشین، ۶۵.

سیاست‌های سخت‌گیری و سرکوب‌گری داد.^{۷۳} رویکردهای واقع‌گرایانه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هم‌زمان با به قدرت رسیدن دولت‌های نئولیبرالی راست در ایالات متحده و انگلستان، ظهور کردند. اگرچه دولت‌های نئولیبرالی به سیاست‌های مالیات پایین و عدم‌رعایت دولت رفاه علاقه‌مند بودند، اما حوزه‌ای که دولت نقش آن را ایفاء کرد، حفظ نظم و قانون بود.

دیدگاه اصلی واقع‌گرایان راستین، آمیزه‌ای است از افکار محافظه‌کارانه و مبتنی بر مضمون اخلاقی کردن^{۷۴} در تقابل با دیدگاه‌های سیاست اصلاح و درمان که به‌جای مجازات، بر راهبردهای درمان و اصلاح تأکید دارد. به‌عبارت‌دیگر، دیدگاه یادشده در تضاد با اندیشه‌ها و نظریات دیدگاه‌های اثبات‌گرایی حوزه جرم‌شناسی است که نگرش یا الگویی جبرگرایانه را درباره علل جرم پذیرفته است. واقع‌گرایان راست معتقدند که قضا‌زدایی، هشدارهای مکرر، تأخیر در اجرای مجازات و اجرای قوانین ناکارآمد و تأکید بر واکنش‌های رسمی حداقلی به جرم‌های نسبتاً کم‌اهمیت، منجر به ایجاد شکاف در اجرای عدالت شده است.^{۷۵} فلسون، یکی دیگر از جرم‌شناسان است که به‌طور کامل با واقع‌گرایی راست ارتباط دارد. وی بیان می‌کند: «چه اتفاقی می‌افتد هنگامی که یک اجاق داغ گرم را لمس می‌کنید؟ یک درد سریع، مشخص، اما جزئی را دریافت می‌کنید. بعد از یکبار تحمل سوزش، یک اجاق داغ دیگر را لمس نخواهید کرد. درحال حاضر اگر از یک اجاق گاز خیالی تنها یکبار و در آن یکبار ۵۰۰ مرتبه آن را لمس کنید، احساس سوختگی نمی‌کنید. تحقیقات روان‌شناختی و عقل سلیم به‌طور یکسان به ما می‌گویند که اجاق خیالی در مجازات ما به مثابه اجاق واقعی مؤثر نخواهد بود.»^{۷۶} فلسون بر این موضوع تأکید دارد که مجازات، جایگزین ندارد و مجازات به‌عنوان نتیجه عمل مجرمانه، اثر خود را تا مدت‌ها حفظ می‌کند.

جورج کلینگ^{۷۷} معتقد است که باید از پلیس به مؤثرترین شکل ممکن نه‌تنها در کاهش جرم بلکه در حفظ نظم اجتماعی استفاده شود. سپس، کلینگ این وضعیت را به‌طور خلاصه چنین بیان کرده است: «شما هیچ توجهی به کوچک‌ترین بزه‌هایی که هزینه‌های بالایی را به‌بار می‌آورند و بی‌نظمی ایجاد می‌کنند ندارید که نه‌تنها ترس را به‌وجود می‌آورند بلکه

۷۳. طاهری، پیشین، ۲۵.

74. Moralizing

75. Peter Squires, Dawn Stephan, *Rough Ustise* (Cullompton.UK: Willan Publishing, 2005),

76.

76. Marcus Felson, *Crime and Everyday Life* (Thousand Oaks, CA: Pine Forge, 1998), 2nd ed,

9.

77. George Kelling

پیام‌آور وقوع یک جرم جدی است.^{۷۸} تضعیف سیاست اصلاح و درمان در پرتو تغییر رویکردهای جرم‌شناسی، نگرانی از افزایش نرخ سرسام‌آور جرم در کشورهای غربی و افزایش بزه‌دیدگی، کیفی شدن بزهکاری، رسانه‌ای شدن رویکردها به بزهکاری و ترس از جرم، نقص جامعه‌شناسی برای توضیح و حل مسئله جرم و جنایت، فقدان نظم و انضباط، از بین رفتن محبوبیت رویکرد مارکسیستی و تعامل‌گرایانه به جرم و تمایل به جرم‌شناسی فرهنگ‌کنترل جرم از مهم‌ترین زمینه‌های جرم‌شناختی‌گرایش به واقع‌گرایی راست بوده است.

۵- جلوه‌های گرایش به جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست در حقوق کیفری

جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، آزادی اراده را یک واقعیت انکارناپذیر می‌داند و این‌گونه استدلال می‌کند که افراد فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و همین که فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، نشان‌دهنده این است که اراده‌ای وجود دارد، اگرچه تحت تأثیر عوامل متعددی است. این رویکرد، نگرش انسان‌گرایانه و اصلاح‌مدار را نسبت به مجرمین تحت‌الشعاع قرار داد و با هدف تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان، از یک‌سو و تأمین امنیت نهادهای عمومی از سوی دیگر، با اتکاء به سیاست کیفری عوام‌گرایانه، در یک رویکرد ساده‌انگارانه به پدیده پیچیده بزهکاری و با اعتقاد به ناکارآمد بودن و حتی شکست سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی و بالینی و کارنامه منفی نظام کیفری انسانی و جرم‌شناختی‌شده در نیمه دوم سده بیستم، مهار جرایم را تنها از گذر سختگیری کیفری، در معنای موسع آن، همراه با اعمال تدبیرهای پیشگیری از گونه وضعی - فنی آن ممکن می‌دانند.^{۷۹} بنابراین طبیعی است که دغدغه‌های لازم در باب رعایت موازین حقوق بشری در جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای رفتارهای مجرمانه نادیده گرفته شود و اندیشه قانون و نظم به محوری برای مبارزه عملی علیه جرم و حمله به آنچه واقع‌گرایان راستین آن را بی‌نظمی‌های موجود می‌نامیدند، تبدیل گردد. در ادامه به مهم‌ترین جلوه‌های تقنینی ماهوی در جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست اشاره می‌گردد.

78. George Kelling, "Broken Windows, Zero Tolerance and Crime Control," in *Building Safer Communities*, ed. P. Francis and F. Penny (eds) (London: Centre for Crime and Justice Studies, 1999), 171.

۷۹. کریستین لازرژ، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، چاپ چهارم، ۴۳.

۵-۱- مجازات حبس

اندیشمندان رئالیسم راست بر این باورند که مجازات حبس به‌ویژه در خنثی‌سازی یا ناتوان‌سازی بزه‌کاران و ترساندن افراد جهت اتخاذ سبک‌های زندگی مطیع قانون، نتیجه‌بخش خواهد بود. با این حال، رئالیست‌های راست طرفدار استفاده از حبس به‌عنوان یک عامل ناتوان‌ساز هستند. به نظر آنها، تکرارکننده‌های جرم، مرتکب شناخته‌ترین جرم‌ها خواهند شد و لذا اگر بزه‌کاران متعلق به دسته‌های خاص، حتی برای یک مدت کوتاه قطعاً حبس شوند، پس احتمال بزه‌کاری در این دسته‌ها کاهش می‌یابد. با این حال، این نوع از دست دادن آزادی نباید الزاماً به فرم زندانی کردن مرسوم باشد. حبس کردن شبانه یا فقط در آخر هفته‌ها همان تأثیر را بر جای خواهد گذاشت، البته تا زمانی که به‌طور قطعی به‌کار گرفته شود و با جدیت تمام اعمال گردد.^{۸۰}

با وجود ازدحام جمعیت زندانیان و عدم تکافوی ظرفیت زندان‌ها، یکی از روش‌های مورد استفاده، آزادی زودهنگام آن دسته از بزه‌کارانی است که تنها بخشی از مدت زندان خود را طی کرده‌اند. هدف از این اقدام این است که فضای کافی برای زندانیان مشمول قوانین سه ضربه فراهم شود.^{۸۱} ویلسون، از نظریه‌پردازان جرم‌شناسی رئالیسم راست، بر این باور است که افراد شرور وجود دارند. هیچ استثنای ارزشمندی وجود ندارد که آنها را از افراد بی‌گناه جدا کند و بسیاری از افراد، نه افراد خبیث و نه افراد بی‌گناه، بلکه افراد هوشیار، متظاهر و فرصت‌طلب، واکنش ما نسبت به شرارت را به‌عنوان یک سرنخ ارزیابی می‌کنند تا درخصوص انجام یا عدم انجام اعمال مجرمانه خود تصمیم‌گیری نمایند.^{۸۲}

نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از تمایل وافر جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست از چهار دهه پیش به استفاده از مجازات‌های سالب آزادی در آمریکا و سایر نظام‌های مبتنی بر این رویکرد است. اینکه علت تورم جمعیت کیفری ناشی از افزایش جرم است با تردیدهای فراوانی مواجه شده است. با وجود این بعضی آمارها حاکی از این است که تنها درصد کمی از افزایش جمعیت کیفری، معلول افزایش جرم است. در مجموع می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین جلوه‌های گرایش به جرم‌شناسی رئالیسم راست، افزایش جمعیت زندانیان است.

80. Hopkins Burke. *An Introduction to Criminological Theory*, op.cit. 52.

80. Order of Stablished Authority

81. James Austin, *Three Strikes and Your'e Out: The Likely Consequences on the Court, Prison and Crime in California and Washington State St* (Saint Louis Unicetsity Public Law Review, 1994), 21.

82. Wilson, *Thinking about Crime*, op.cit. 235.

۵-۲- لغو نظام محکومیت‌های نامعین و تعیین حداقل اجباری کیفرها

نظام محکومیت‌های نامعین به‌عنوان یکی از سازکارهای اصلی نظام اصلاح و درمان، حدود نیم‌قرن در تمام ایالت‌های آمریکا حاکم بود. این نظام اختیارات وسیعی در راستای فردی کردن مجازات در اختیار قاضی و کمیته آزادی مشروط قرار می‌داد. کنار گذاشتن نظام محکومیت‌های نامعین در اوایل دهه ۱۹۷۰ م. اگرچه در ابتدای امر با اندیشه سزادهی و تضمین قطعیت و حتمیت مجازات صورت گرفت اما در ادامه راه با اتکاء بر اندیشه سلب توان کیفری مجرمان و با هدف مدیریت خطر ارتکاب جرم با صرف کمترین هزینه به برگزیدن راهبردهایی چون مجازات‌های ضربه‌ای منتهی شد.^{۸۳} بسیاری از ایالات آمریکا از ۱۹۸۰ م. به بعد، کیفرهای حداقل اجباری را تعیین کردند، اما اکنون تمام ایالات آمریکا چنین کیفرهایی را در نظام عدالت کیفری خویش به کار می‌گیرند. دولت فدرال تقریباً برای صد نوع جرم، به‌ویژه جرایم مربوط به مواد مخدر و سلاح‌های گرم، کیفرهای حداقل اجباری تعیین کرده است، به‌گونه‌ای که طی ده سال گذشته، مدت حبس برای این جرایم، دو برابر شده است.^{۸۴}

در جرم‌شناسی رئالیسم راست جدید، رفتار جنایی به‌عنوان یک تلاش فردی منطقی در نظر گرفته می‌شود که اگر جنایتکاری بالقوه احساس کند که احتمال تحمل مجازات بیشتر از منافع حاصل از اقدام جنایی است، بنابراین، یک اقدام جنایتکارانه انجام نخواهد شد. لذا لغو نظام محکومیت‌های نامعین و تعیین حداقل اجباری کیفرها جهت بازدارندگی مجرمان، از جلوه‌های تجلی جرم‌شناسی واقع‌گرایانه راست است.

۵-۳- قانون سه ضربه و سپس اخراج^{۸۵}

واقع‌گرایان راست‌گرا معتقدند پلیس باید بزهکاران را شناسایی و آنها را تعقیب نماید و قضات از یک پاسخ خاص قاطعانه نسبت به بزهکاران مکرر، استفاده کند. همین نکته موجب تصویب قانون سه ضربه و سپس اخراج در آمریکا شده است که برابر این قانون بزهکار پس از سومین بزه محکوم به حبس طولانی‌مدت خواهد شد. در سال ۲۰۰۲ در مجموع ۶۷۰۰ نفر محکوم به حبس ۲۵ ساله تحت قانون سومین ضربه شدند. بیش از ۳۳۵۰ نفر از این افراد، بزهکاران غیرخشن بودند و ۳۵۰ نفر هم به‌خاطر سرقت‌های کوچک زندانی شده بودند. ۴۴

۸۳ طاهری، پیشین، ۱۶۱.

۸۴ کاشفی اسماعیل‌زاده، پیشین، ۲۸۹.

درصد از این افراد، سیاه‌پوست و ۲۶ درصد از آنها جزو بومیان آمریکا بودند.^{۸۶} عنوان این کیفر از اصطلاح معمول در ورزش ملی آمریکایی‌ها (بیس‌بال) گرفته شده است: «با دریافت سومین ضربه، از بازی خارج می‌شوی.» دامنه اعمال و اجرای این کیفر بسیار گسترده است، به طوری که بر اساس قانون‌گذاری‌های ایالات جرایمی از قبیل جرایم خشن، جرایم جنسی، مواد مخدر و سرقت از منازل را شامل می‌شود. از میان ابزارهای متعددی که برای تشدید مجازات تکرارکنندگان جرم و مرتکبان جرایم خشونت‌بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند، «قوانین سه ضربه» هم در میان قانونگذاران و هم در میان عامه مردم طرفداران بیشتری یافته‌اند.^{۸۷}

در آمریکا، اولین قانون سه ضربه در دسامبر ۱۹۹۳ و در ایالت واشنگتن به تصویب رسید که با اقبال عامه روبه‌رو شد و دومین آن در مارس ۱۹۹۳ یا ۱۹۹۴ در ایالت کالیفرنیا از تصویب گذشت. در اواخر سال ۱۹۹۴ در حدود ۲۱ ایالت دیگر به تصویب قوانین مذکور پرداختند که عبارت‌اند از کلرادو، کانکتیکوت، جورجیا، ایندیانا، کانزاس، لوئیزیانا، مریلند، نیومکزیکو، نورث کارولینا، تنسی، ویرجینیا و ویسکانس. اکنون تقریباً همه ایالات آمریکا و به‌علاوه دولت فدرال اقدام به وضع قوانین مذکور کرده‌اند. از سال ۱۹۹۳ تاکنون تقریباً کلیه ایالات آمریکا و به‌علاوه دولت مرکزی، اقدام به تصویب قوانین سه ضربه و سپس اخراج کرده‌اند که بر اساس آنها مجازات مجرمان جرایم خشونت‌بار و مکرر، افزایش یافت. توسعه روزافزون این دسته از قوانین بیانگر این حقیقت بوده است که قوانین پیشین فاقد توانایی کافی جهت ارائه پاسخی مناسب به معضل تکرار جرم هستند و نمی‌توانند به‌نحوی شایسته از جامعه درمقابل بزهکاران به عادت، حمایت کنند.^{۸۸}

برخلاف مبانی توجیهی سیاست سه ضربه، محکومین عمده این قوانین، نه بزهکاران حرفه‌ای و خشن، بلکه بزهکاران مکرری هستند که مرتکب جرایم عادی شده‌اند. این حقیقت نه تنها شائبه ناعادلانه و شدید بودن قوانین مذکور را در مرحله وضع، بلکه در مرحله اجرا نیز تشدید می‌کند. اکنون برخی از ایالات آمریکا به تصویب «قانون دو ضربه» و تشدید بی‌رویه کیفرها می‌اندیشند!

86. Hopkins Burke. *An Introduction to Criminological Theory*, op.cit. 46.

87. Michael G. Turner et.al. "Three Strikes and Your'e Out Legeslition," *A National Assesment Federal Probation* 59 (1995): 21.

۸۸. حسین غلامی، «سیاست کیفری سخت‌گیرانه»، فصلنامه دانش انتظامی ۲۷ (۱۳۸۴)، ۸-۱۰۷.

نتیجه

فردمحوری، اعتقاد به آزادی اراده مجرمان، قرار دادن مسئولیت مستقیم جرم برعهده فرد، سزاگرایی، ارائه نوعی رویکرد اخلاقی و مجازات‌گرا در مورد جرم، از مفاهیم و گزاره‌های اصلی مورد استفاده جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست است. در پاسخ به این پرسش که در جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست چه چیزی واقعی است، ابهامات فراوانی مطرح است. به زبانی نسبتاً ساده، استفاده از واژه واقع‌گرایی در جرم‌شناسی واقع‌گرایانه، بیش از آنکه چهره‌ای فلسفی و علمی به خود بگیرد، کاربردی سیاسی دارد.

در شکل‌گیری این رویکرد زمینه‌های سیاسی همچون تلاش محافظه‌کاران جناح راست در عوام‌گرایی و جلب افکار عمومی به سوی مسئله جرم و افزایش آمار جرایم و هم‌زمان تلاش برای القای ناتوانی سیاست‌های لیبرالی جهت پیروزی در انتخابات، تأثیر فراوانی داشته است. همچنین زمینه‌های اقتصادی از قبیل بحران اقتصادی اواخر دهه ۱۹۷۰ در آمریکا و کشورهای غربی و بالا بودن هزینه‌های سیاست اصلاح و درمان و زمینه‌های جرم‌شناختی از قبیل تمایل به جرم‌شناسی فرهنگ کنترل جرم، تضعیف سیاست اصلاح و درمان در پرتو تغییر رویکردهای جرم‌شناسی، رسانه‌ای شدن رویکردها به بزهکاری و ترس از جرم در شکل‌گیری این رویکرد تأثیرگذار بوده است. از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد می‌توان به حبس‌گرایی، لغو نظام محکومیت‌های نامعین و تعیین حداقل اجباری کیفرها و قانون سه ضربه و سپس اخراج، اشاره نمود.

مهم‌ترین انتقادهای وارده بر این دیدگاه عبارت‌اند از:

- جرم‌شناسی رئالیسم راست باهدف حفاظت از جامعه از خطر بزهکاری و با تکیه بر این موضوع که جرم یک مشکل واقعی است که نیاز به یک پاسخ هماهنگ و دقیق دارد، اندیشه‌های سزاگرایانه را جانی دوباره بخشید؛
- واقع‌گرایان راستین، همه متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و ساختاری را نادیده می‌گیرند و توجه خودشان را صرفاً بر تهدید رفتاری و ناکافی بودن کنترل اجتماعی فرد قرار می‌دهند و معتقدند که استفاده از مجازات‌های سالب آزادی به‌عنوان یک ابزار ناتوان‌کننده می‌تواند در کنترل نظم و پیشگیری از جرم تأثیر اساسی داشته باشد؛
- تمرکز بر سیاست‌های مؤثر در بهبود شرایط اجتماعی، جستجو برای علل جرم در خارج از فرد مرتکب و اندیشه اصلاح، درمان و بازپروری در نظر اندیشمندان این رویکرد، چیزی غیر از ائتلاف وقت نیست و واقع‌گرایان معتقدند، جرم نتیجه حسابگری و گرایش‌ها درون

افراد است. بنابراین سیاست‌ها باید این گرایش‌ها را هدف قرار دهند و نه نابرابری‌های ساختاری را؛

- جرم‌شناسی واقع‌گرایانه، جرم را یک مشکل واقعی برای مردم عادی قلمداد نموده و بر این باور است که ترس از جرم دارای مبنای عقلانی است که نباید نادیده گرفته شود؛ استفاده از واژه واقع‌گرایی، استفاده‌ای سیاسی است تا فلسفی - حقوقی، زیرا تلاش می‌شود تا قلمرو جرم و سیاست‌های عدالت کیفری به‌عنوان موضوعی واقعی، از طریق توجه به عرصه سیاسی، مورد اشاره قرار گیرند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آقایی، مجید. *مکاتب کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶.
- جعفری، مجتبی. *جامعه‌شناسی حقوق کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- جوان جعفری، عبدالرضا و سید محمدجواد ساداتی. «از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری* ۲ (پائیز و زمستان ۱۳۹۰): ۱۴۸-۱۱۹.
- خسروشاهی، قدرت‌الله. *فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- دورکیم، امیل. *قواعد روش جامعه‌شناسی*. چاپ پنجم. ترجمه محمدعلی کاردان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- صانعی، پرویز. *حقوق جزای عمومی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸.
- صفاری، علی. *کیفرشناسی و توجیه کیفر در علوم جنایی*. تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- طاهری، سمانه. *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- عالی‌پور، حسن. «واقعیّت جرم». *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست* ۲۷ (۱۳۸۸): ۱۳۱-۱۱۱.
- غلامی، حسین. «سیاست کیفری سخت‌گیرانه». *فصلنامه دانش انتظامی* ۲۷ (۱۳۸۴): ۱۲۱-۹۵.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن. «جنبش‌های بازگشت به کیفر». *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۵ و ۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۴): ۲۹۴-۲۵۳.
- کاوادینو، میشل، جیمز دیگنان. «توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات». ترجمه علی صفاری. *فصلنامه تحقیقات حقوقی* ۴۳ (بهار و تابستان ۱۳۸۵): ۴۳۸-۴۰۷.
- لازرژ، کریستین. *درآمدی بر سیاست جنایی*. چاپ چهارم. ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- ماکس، رافائل. *نگاهی به تاریخ ادبیات جهان*. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: انتشارات شباهنگ، ۱۳۵۷.
- مگوایر، مایک، راد مورگان و رابرت رینر. *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*. جلد چهارم. چاپ اول. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
- نجفی‌توانا، علی. *جرم‌شناسی*. چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۹۱.
- نوربها، رضا. *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.
- والک لیت، ساندر. *شناخت جرم‌شناسی*. چاپ اول. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
- وایت، راب، فیونا هیتز. *جرم و جرم‌شناسی*. ترجمه علی سلیمی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،

ب. منابع خارجی

Austin, James. *Three Strikes and Your'e Out: The Likely Consequences on the Court, Prison and Crime in California and Washington State St.* Saint Louis University Public Law Review, 1994.

Dario, Melossi. *Controlling Crime, Controlling Society Thinking about Crime in Europe and America.* First Ed. Cambridge :Polity Press, 2008.

Duff, Anthony, David Garland. *Thinking about Punishment, in a Reader on Punishment.* New York: Oxford University Press, 1994.

Felson, Marcus. *Crime and Everyday Life.* 2nd Edition. Thousand Oaks, CA: Pine Forge, 1998.

Hopkins Burke, Roger. *An Introduction to Criminological Theory.* Fourth Ed. Published Simultaneously in the USA and Canada: Willan Publishing, 2014.

Karmen, Andrew. "Zero Tolerance in New York City: Hard Questions for a Get-Tough Policy." In *Hard Cop, Soft Cop: Dilemmas and Debates in Contemporary Policing*, edited by R.D. Hopkins Burke, 9-24. Cullompton: Willan Publishing, 2004.

Kelling, George. "Broken Windows, Zero Tolerance and Crime Control." In *Building Safer Communities*, edited by P. Francis and F. Penny (eds), 114-132. London: Centre for Crime and Justice Studies, 1999.

Squires, Peter, Dawn Stephan. *Roughe Ustise.* Cullompton.UK: Willan Publishing, 2005.

Turner, Michael G., Jody L Stundt, Brandon K. Applegate, Francis T. Cullen. "Three Strikes and Your'e Out Legeslition." *A National Assesment Federal Probation* 59 (1995): 16-32.

Wilson, James.Q, Richard J. Herrnstein. *Crime and Human Nature.* New York: Simon and Schuster, 1985.

Wilson, James.Q. *Thinking about Crime.* New York: Basic Books, 1975.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 2

2019-2

- **Comparative Study of Stop and Search by Police in Public Places in Iran and England Legal Systems**
Dr. Gholamhassan Kooshki & Peyman Dolatkhahpashakie
- **Liability of Vehicle Owners against Third Parties such as Civil or Criminal Liability?**
Dr. Nasroallah Jafari Khosroabadi & Mina Salemi
- **Heading a Criminal Gang and Aggravation of Punishment**
Dr. Mansour Rahmdel
- **“Invention” of the Custom or Only a “Transformation” in the Way of Recognition?**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh
- **Analyzing the Content of Kimia TV Serials from the Perspective of Family Violence**
Rabeae Nazarpour Hamedani & Dr. Batoul Pakzad
- **Basics and the Realm of the Teachings of New Penology on the Juvenile Delinquency; with an Adaptive Approach to the Criminal Justice Systems of Iran and the United States**
Ali Davoudi Salestani & Dr. Seyyed Hossein Hashemi
- **The International Documentary Approach to the Victims of the Crime of Forced Disappearance**
Dr. Jamal Beigi & Hiva Alipour
- **Right Realist Criminology, Backgrounds and Looks**
Ayoub Nourian Dr. Gholamreza Mohammadnasl & Dr. Nader Norouzi
- **International Organizations Participation in Preliminary Examination in International Criminal Court**
Sahar Poorhassan Ziveh & Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi & Dr. Hamidreza Javidzadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study